

اصفهان؛ پاسداری از تمدن و ایستادگی در جبهه علم

جنگ تحمیلی رمضان از دیدگاه اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان اصفهان



در پی حمله مستقیم و همه جانبه نظامی کشورهای آمریکا و رژیم غاصب و کودک کش صهیونی از تاریخ ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ به کشور جمهوری اسلامی ایران که به عنوان دومین حمله نظامی پس از جنگ ۱۲ روزه خردادماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد و همکاری کشورهای دست نشانده آنها که در همسایگی ایران واقع شده اند، تحلیلهای زیادی در رابطه با چرایی وقوع، اثرات کوتاه مدت و بلند مدت، نحوه مدیریت جنگ، کاهش خسارات و نهایتاً برنامه ریزی برای دوره پسا جنگ در حال انجام است. بنا بررسالت اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری، به عنوان زیرمجموعه ای از مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، این نوشتار در راستای ارایه نظرات اعضای شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان اصفهان، به عنوان دومین استان تاثیرپذیر از این جنگ، پس از استان تهران، تدوین شده و تمرکز آن بر دو بخش علم و فناوری و نیز تاریخی و فرهنگی است. بدیهی است بخش های دفاعی، زیرساختی و سیاسی آن به دلایل امنیتی در این نوشتار مورد نظر نبوده که خود جای بررسی جامع چه در وضعیت موجود و چه برنامه ریزی برای آینده دارد. استان اصفهان به دلایل مختلف از جمله موقعیت جغرافیایی و استراتژیک در مرکز کشور، وجود صنایع بزرگ ملی، سرمایه های انسانی و نهایتاً سابقه فرهنگی و مذهبی، دارای نقش تعیین کننده ای در حاکمیت کشور در طول تاریخ بوده و هست. لذا تمرکز بر نقاط قوت و ضعف این استان در تحلیل وضعیت جنگ کنونی می تواند در تصمیم گیری های حاکمیتی دارای اهمیت باشد.

از آنجا که جنگ رمضان ماهیت چندگانه و پیچیده اعم از نظامی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و علمی دارد، لذا حتی تحلیل آن با برش استانی نمی تواند کاملاً مستقل از تحلیلهای کشور باشد. در اینجا سعی می شود تا حد امکان تمرکز بر استان اصفهان و با در نظر گرفتن ارتباطات کشوری تحلیلهای صورت گیرد.

استان اصفهان، با برخورداری از مراکز دفاعی، مراکز صلح آمیز انرژی هسته ای، صنایع ملی فولادی، پالایشگاهی، پتروشیمی، شهرک های صنعتی متعدد، مراکز علمی و دانشگاهی، زیرساخت های حمل و نقل کلیدی و همچنین آثار ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، پتانسیل بالایی برای تاثیرپذیری در ابعاد مختلف به ویژه جنگهای نامتقارن دارد. درک عمیق این تأثیرات، نه تنها برای پیش بینی پیامدها، بلکه برای

تدوین برنامه های مؤثر بازدارنده، مدیریت بحران و بازسازی پس از جنگ، حیاتی است. همانگونه که بیان شد، تمرکز این نوشتار بر دو بخش علم و فناوری، با تمرکز بر دانشگاه صنعتی اصفهان و نیز هویت تاریخی و فرهنگی استان اصفهان است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

از جمله جنایت های دشمن آمریکایی- صهیونی در جنگ رمضان، حمله وحشیانه به مراکز علمی و دانشگاهی کشور عزیزمان بوده است. استان اصفهان دارای دانشگاههای با رتبه های برتر علمی در سطح کشور و جهان است که با اثرگذاری علمی و پژوهشی و فناوری بالا، باعث توسعه کشور به ویژه در چند دهه اخیر شده اند. دانشگاه صنعتی اصفهان یکی از این دانشگاه ها است که دشمن قادر، بغض و کینه خود را نسبت به نهاد مقدس دانشگاه در جمهوری اسلامی ایران با هجوم چند باره در ۹ فروردین ماه ۱۴۰۵ به آن نشان داد. پیام این تهاجم ددمنشانه این است که دشمن از پیشرفت های علمی کشور که با رهبری های داهیانیه امام شهیدمان بدست آمده است ترس و وحشت دارد. پیشرفت هایی که امروز اساس پیشرفت های گسترده صنعتی و فناوری و تشکیل شرکت های دانش بنیان در کشورمان است و در حوزه های مختلف جامعه اثر گذاری خود را نشان داده است. اگرچه هجوم به دانشگاه های جمهوری اسلامی مغایر با همه

مبانی حقوقی و بشری پذیرفته شده در جهان است، اما نقش بی بدیل دانشگاه های جمهوری اسلامی را در پیشرفت های جامعه ایرانی تایید می کند. در مواجهه با پدیده تهاجم به دانشگاه های ایران و از جمله دانشگاه صنعتی اصفهان که برای اولین بار رخ داده است، لازم است مواردی را مورد توجه قرار دهیم:

۱- ضمن اینکه از خدشه به نهاد علم و دانشگاه بسیار متاثریم اما افتخار می کنیم که با پیروی از منویات قائد شهید امت جایگاه این دانشگاه آنچنان ارتقا یافته است که خار چشم و مایه عصبانیت دشمن و وطن فروشان منافق و بی هنر شده است. از این پس وظیفه ما نسبت به گذشته بسیار سنگین تر است و همه آحاد دانشگاه و مسئولین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید بسیار جدی تر و با اراده بیشتر در تحقق دانشگاه اسلامی تلاش کنند. دانشگاه اسلامی دانشگاهی در تراز جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی و دانشگاه برتر در همه حوزه های فرهنگی، علمی، مذهبی، آموزش، پژوهش، فناوری و نقش آفرینی در صنعت و جامعه است.

۲- ممکن است افراد ناآگاه یا مغرض در روزها و ماه های آینده، شروع به القای افکار انحرافی در بین دانشگاهیان کنند مثل اینکه دانشگاه برای اینکه از مکر و شیطنت دشمن بر حذر باشد، نباید با بخش های خاصی از جامعه به ویژه بخش های دفاعی ارتباط داشته باشد. واضح



اصفهان؛ پاسداری از تمدن و ایستادگی در جبهه علم

جنگ تحمیلی رمضان از دیدگاه اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان اصفهان

و منطق خشونت است. تمدن ها با گفت و گو و خلق معنا شناخته می شوند، در حالی که خشونت کور نشانه تهی بودن از میراث فرهنگی و اخلاقی است. هنگامی که شهری با چنین پیشینه ای مورد تهاجم قرار می گیرد، در واقع شکاف میان «فرهنگ» و «وحشی گری» به عریان ترین شکل خود نمایان می شود. کشور غاصبی که عمر کمتر از ۷۰ سال و آمریکار جنایتکار با تاریخ کمتر از ۳۸۰ سال دارند، هیچگاه مفهوم هویت تاریخی و فرهنگی را درک نمی کند و بدیهی است با کشور متمدن با چندین هزار سال قدمت تاریخی چنین خصومتی داشته باشد. از همین رو، ضروری است که افکار عمومی جهان، به ویژه در جهان اسلام، نسبت به چنین رخدادهایی حساس و آگاه شوند. مسئله صرفاً امنیت یک شهر نیست، مسئله پاسداری از میراث تمدنی است که قرن ها الهام بخش هنر، علم و معنویت بوده است. اگر امروز در برابر تعرض به چنین نمادهایی سکوت شود، فردا نوبت به دیگر سرمایه های فرهنگی خواهد رسید. لازم است از شهرهای خواهرخوانده اصفهان خواسته شود تا مطالبه محکومیت این حملات را در سطح عمومی و بین المللی را مطرح کنند، مطالبه ای که هدفش صرفاً اعلام همدردی نیست، بلکه انعکاس خوی وحشی گری متجاوزین و برجسته کردن این حقیقت است که حمله به اصفهان، حمله به میراث مشترک انسان هاست. اگر روابط خواهرخواندگی قرار است معنایی فراتر از تشریفات داشته باشد، امروز روزی است که باید به زبان قاطع فرهنگ سخن بگوید.

اصفهان در طول تاریخ بارها از گردنه های دشوار عبور کرده است؛ اما هر بار همچون ققنوسی از دل خاکستر برخاسته و دوباره به نماد زیبایی و حیات فرهنگی تبدیل شده است. شاید راز ماندگاری این کلانشهر نیز در همین باشد: شهری که نه فقط از سنگ و آجر، بلکه از حافظه، هنر و روح یک تمدن ساخته شده است. امروز نیز آنچه باید پاس داشته شود، تنها امنیت یک شهر نیست، بلکه پاسداری از چراغی است که قرن ها در دل تاریخ روشن مانده است. چراغی که نامش اصفهان است.

از نهادهای بین المللی از جمله یونسکو پرداخته شود. شنیدن خبر تهاجم به شهری چون اصفهان تنها یک رخداد نظامی یا امنیتی تلقی نمی شود، بلکه نشانه ای از زخمی است که بر پیکر فرهنگ و حافظه تاریخی یک ملت وارد



می آید. اصفهان شهری معمولی در جغرافیای ایران نیست، شهری است که در حافظه تمدنی جهان اسلام جایگاهی ممتاز دارد. روزگاران پایتخت ایران بوده و امروز نیز به عنوان یکی از مراکز مهم میراث فرهنگی و هنری در عرصه بین المللی شناخته می شود. اصفهان، شهری است که هر کوچه و میدان آن روایتگر قرن ها هنر، اندیشه و زیست فرهنگی است. از میدان امام (ره) تا پل های تاریخی و از گنبد های فیروزه ای تا بازارهای کهن، این شهر همچون نسخه ای زنده از تاریخ تمدن ایرانی اسلامی در برابر دیدگان جهان قرار دارد. از این رو، هرگونه تعرض به چنین شهری، تنها حمله به یک نقطه جغرافیایی نیست، بلکه تهاجمی است علیه حافظه فرهنگی یک تمدن. در چنین چارچوبی، شدت و گستره این تعرض ها را باید فراتر از یک اقدام صرفاً نظامی تحلیل کرد. آنچه رخ می دهد، بازتاب نوعی گسست عمیق میان منطق فرهنگ

پیشرفت همه جانبه در دانشگاه و توجه ویژه به این دانشگاه در منظومه نقشه جامع علمی کشور و اقتصاد مقاومتی است.

۴- وجود شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان با بیش از ۸۰۰ شرکت دانش بنیان موفق و به ویژه مجاورت آن

با دانشگاه صنعتی اصفهان، یک پتانسیل هم افزا برای تبدیل دانش به فناوری های نو و کاربردی است که به ویژه در طی دو دهه اخیر نقش خود را نه تنها در سطح استان، بلکه در سطح کشور ادا نموده است.

۵- دانشگاه صنعتی اصفهان عملاً یک شهر دانشگاهی است که لازم است در کمترین زمان ممکن، با تکمیل حلقه های مورد نیاز، نواقص شهر دانشگاهی برطرف شود و عملاً با یکپارچگی حقوقی و ساختاری شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان به آن و ایجاد پردیس بین المللی با ظرفیت حداقل ۱۰۰۰۰ دانشجوی نخبه جهان اسلام، عملاً یک شهر دانشگاهی نمونه در سطح کشور و منطقه ایجاد شود.

در بخش دوم اثرگذاری جنگ رمضان بر هویت و آثار تاریخی به ویژه بر کلانشهر اصفهان، سعی شده ضمن بیان اهمیت این آثار به عنوان میراث جهانی به لزوم مطالبه گری

است که دانشگاه پیشرو، دانشگاهی است که ارتباط قوی با همه بخش های جامعه داشته باشد و به رفع نیازهای کشور در همه زمینه ها بپردازد و از سرریز علوم و فنون تولید شده در آن در پیشرفت سایر بخش ها استفاده کنند. دانشگاهی که

حوزه مسئولیت خود را به بخش های خاص آموزشی محدود کند نه تنها از رقابت با دانشگاه های جهان عقب می ماند، بلکه به دانشگاهی کم اثر و با راندمان کم تبدیل می شود و ضمن از دست دادن بخش های مهمی از درآمد خود موجب شکست زنجیره علم و فناوری و وابستگی کشور به بیگانگان در امور حیاتی و راهبردی می شود.

۳- دانشگاه صنعتی اصفهان با داشتن متخصصین مبرز در حوزه های مختلف علمی و فنی، سازمان مناسب آموزشی و پژوهشی، تجربیات قابل توجه در حوزه ارتباط با صنعت و منابع سرزمینی مناسب، بالقوه زمینه رشد جهشی در همه زمینه های مورد نیاز کشور را دارد. در واقع در این دانشگاه پتانسیل های بالقوه ای وجود دارد که با حمایت، مدیریت و سازماندهی قوی می تواند در زمان کوتاهی آثار و دستاورد های مختلف را در اختیار جامعه قرار دهد. این منوط به داشتن برنامه